

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

سه شنبه ۲۱ نوامبر ۲۰۲۳

فریده نوری

## به مناسبت چهل و هفتمین سالروز تولد مرجان



در همان روزیکه پای تو به این دنیا رسید  
غصه هایم یک به یک از قلب و جانم پرکشید  
روز میلاد تو دنیا یک صدا خندیده بود  
آسمان در مقدمت باران گل باریده بود



دختر نازنیم، تا چهل سال از روز بیست و یکم نوامبر که مقدس ترین روز زندگیم بود، با هزاران هزار آرزوی موفقیت، صحت و سعادت برایت مبارک گفتم. اما مدتیست که در نبودت با غمی به بزرگی دنیا از این روز مقدس تجلیل می کنم. زیرا دخترم، من دیگر آن صدای خوش طنین تو را نمی شنوم و آن چهره پرمهر و آن قلب پاکت با من نیست.

تا وقتی تو بودی دنیا زیبا بود، همه غم های دنیا را می کوشیدیم با هم حل کنیم، امروز من مانده ام با کوه های غم، و فقط در برابر این همه بی رحمی روزگار تنها کارم اشک ریختن است.

دختر یکدانه ام چقدر ناباورانه از مادرت دور شدی و تنها خاطرات تو است که شب و روز مرا همراهی می کند، دلم برای همان لحظات فراموش ناشدنی که حکایت از خوشی ها و خنده هایت، از آرزو ها و آرمان هایت برای وطنت و همچنان نگرانی ها و پریشانی هایت می کرد، بسیار تنگ شده است.

دخترم خاطرات تو همیشه جاودان است و مرا روز و شب همراهی میکند. چه خوش گفته اند که همه چیز از بین می رود تنها خاطرات است که جاودان است.

کجایی ای جوان من

ببین قد کمان من

خدایا شد گلم پر پر

ندارم طاقت دیگر

ز یادم کی رود بیرون، صفای قد رعنائش

هنوز هم مانده در گوشم طنین لحن زیبایش



دخترم، بدان که به اندازه همه خوبی های جهان دوستت دارم، آن زمان که غبار غم بر روح و روانت سایه می افکند، میخواستم باران باشم و آنقدر ببارم که غم را از دل مهربانت پاک بشویم.

امشب چه نازدانه گلی در چمن رسید

گویی بساط عیش مداوم به من رسید

افسوس که این بساط عیش و خوشی دیری دوام نکرد و خداوند تحفه را که به من هدیه نموده بود، دوباره از نزدم گرفت.

**دم پیری توانایی من رفت**

**اعصای دست تنهایی من رفت**





عزیزم! دخترم روزت مبارک  
گلم! تاج سرم روزت مبارک  
برایت شعر نابی هدیه دارم  
غزل های ترم! روزت مبارک

تو در من آتشی هستی که خاموشت نخواهم کرد  
به گلزاران گلی هستی فراموشت نخواهم کرد  
قسم از جامه پاکتی که از مهترت به تن دارم  
که تا جان در بدن دارم فراموشت نخواهم کرد



در خانه نهان گشتی یا سوی هوا رفتی  
از خلق حذر کردی و از خلق جدا رفتی  
مانندۀ بوی گل با باد صبا رفتی  
از نور خدا بودی با نور خدا رفتی

ای ساکن جان من آخر به کجا رفتی  
در روح نظر کردی چون روح سفر کردی  
رفتی تو به این زودی، تو باد صبا بودی  
نی باد صبا بودی نی مرغ هوا بودی



ای کاش تو باز آیی و من پای تو بوسم  
در سجده روم صورت زیبای تو بوسم  
هر جا که گذشتی و دمی جای گرفتی  
آن جا روم و گریه کنان جای تو بوسم



استقلال – خپلواکی: دسته گلی تقدیم به روان پاک خواهر گرانقدر ما، روانشاد"مرجان کمال"